

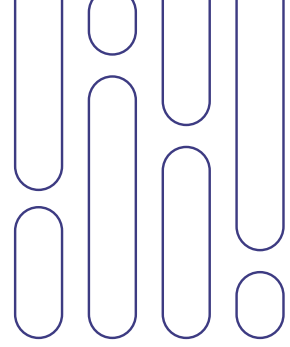
گزارش

تلاشهای امریکا برای بازنگری در روابط خود با بازیگران عربی؛ ارزیابی و نتیجه گیری

5 ژوئن 2023



RASANA
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies



فهرست

- اول: اقدامات امریکا برای بازنگری در روابط خود با عربستان سعودی 3
- دوم: انگیزه های امریکا برای بازنگری در روابط با عربستان سعودی 5
- سوم: ارزیابی تلاشهای امریکا برای بازنگری در روابط خود با عربستان سعودی 8
- چهارم: چالشهای روابط کشورهای عربی و امریکا 10

با توجه به اظهارات مثبت و سازنده، ارائه ابتکارها و سفر مقامات امریکایی به خاورمیانه در پرتو درک تصمیم سازان امریکایی نسبت به خطرات پیامدهای عقب نشینی امریکا از منطقه خاورمیانه و با توجه به روند روبه افزایش روابط کشورهای عربی و چین در پی کم رنگ شدن نقش امریکا در منطقه، و درک دیر هنگام اداره امریکا نسبت به وزن و جایگاه پادشاهی عربستان سعودی به عنوان ام القرای جهان عرب و جهان اسلام که در مسائل منطقه ای و اموریین الملل مخصوصا بعد از تحولات بزرگ ناشی از بحران اوکراین نقش تعیین کننده ای دارد، در خصوص تلاشهای امریکا برای بازنگری در سیاستهای راهبردی در قبال بازیگران عربی و خلیجی منطقه خاورمیانه مخصوصا سیاستها و مواضع ایالات متحده در قبال همپیمانان دیرین و راهبردی خود در خاورمیانه مانند پادشاهی عربستان سعودی، نشانه های مثبتی به چشم می خورد.

از مهمترین این نشانه ها می توان به سفر جک سالیوان مشاور امنیت ملی امریکا به ریاض در هفتم ماه می 2023 میلادی و دیدار وی با امیر محمد بن سلمان ولی عهد عربستان سعودی برای گفتگو درباره روابط دوجانبه و پرونده های منطقه ای اشاره کرد. به ویژه اینکه وی با مقامات ریاض درباره پروژه احداث شبکه راه آهن که ارتباط کشورهای عربی و خلیج را با کشور هند برقرار می کند گفتگو و تبادل نظر کرد. و همچنین دعوت امریکا از عربستان سعودی برای پیوستن به پیمان T2U2^(*) از دیگر نشانه ها است. این سفر سالیوان به ریاض که در چارچوب تلاشهای امریکا برای بازنگری در روابط خود با همپیمانان خلیجی صورت می گیرد، پرسشهای چندی در رابطه با این تلاشها و پیامدهای آن در پرتو تحولات منطقه ای و بین المللی کنونی مطرح می کند.

اول: اقدامات امریکا برای بازنگری در روابط خود با عربستان سعودی

یک. درک امریکا نسبت به نقشهای منطقه ای و بین المللی پادشاهی عربستان سعودی
از جولای 2022 میلادی که بایدن رئیس جمهور آمریکا با سفر به پادشاهی عربستان سعودی بر تقویت روابط با کشورهای منطقه و در رأس آنها عربستان سعودی در همه زمینه های سیاسی، اقتصادی و نظامی تأکید کرد، امریکا سیاستهای خود در قبال عربستان سعودی را به شکل تدریجی مورد بازنگری قرار داده است. اندکی قبل از این سفر، بایدن در مقاله ای با عنوان «چرا رهسپار عربستان سعودی هستیم» که در روزنامه «واشنگتن پست» به چاپ رسید، شراکت دیرپای کشورش با عربستان سعودی که اکنون وارد 80 سالگی خود شده است، را یاد آور شد و بر این نکته تأکید کرد که سفر کنونی وی با هدف ارتقای [روابط کشورش با عربستان سعودی](#) صورت می گیرد، و اینکه پادشاهی عربستان سعودی در همکاری با واشنگتن در مسائل منطقه ای و بین المللی نقش مهمی بر عهده دارد.

(1) * این یک ائتلاف ژئواکونومیک میان کشورهای چین، ایالات متحده، امارات متحده عربی، اسرائیل و هند است که هدف از آن همکاری در سرمایه گذاریهای مشترک و ابتکارهای نوین در زمینه های آب، انرژی، حمل و نقل، هوا و فضا، بهداشت و امنیت غذایی است.

به دنبال این موضع مثبت بایدن، بسیاری از وزیران و مشاوران وی نیز اظهارات مثبت و سازنده ای در مورد روابط دوستانه با کشورهای منطقه و مخصوصاً عربستان سعودی داشتند. آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا تصریح کرد که برای آمریکا روابط با عربستان سعودی از اهمیت خاصی برخوردار است و این دو کشور در مقابله با بسیاری از چالشها و در رأس آنها تروریسم با یکدیگر شراکت و منافع مشترکی دارند.

علی رغم اینکه «اوپک پلاس» در اوایل اکتبر 2022 میلادی تولید نفت را کاهش داد، و حرف و حدیث هایی در مورد گرایش عربستان سعودی به روسیه نیز مطرح شد، اما بلینکن تصریح کرد که عربستان سعودی با اقداماتی چون محکومیت حمله نظامی روسیه و ارسال کمکهای بشر دوستانه به ارزش 400 میلیون دلار به اوکراین، سیگنالهای مثبتی به واشنگتن مخابره کرده است و بدین سان بر اتهامات مطرح شده خط بطلان کشید.

لوید آستین وزیر دفاع آمریکا تصریح کرد که کشورش با عربستان سعودی شراکتی قوی دارد و به این شراکت نیز پایبند است. وی همچنین تأکید کرد که ایالات متحده از تلاشهای پادشاهی عربستان سعودی برای برقراری آتش بس در یمن استقبال می کند و نگرانیهای پادشاهی عربستان سعودی نسبت به اقدامات برهم زننده ثبات در منطقه را درک می کند. جک سالیوان در آغاز سفر به ریاض که در هفتم ماه می 2023 میلادی صورت گرفت، در مصاحبه ای با انستیتو واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک، اظهار داشت که او در صدد است روابط با ریاض که اخیراً کم رنگ شده است را تقویت کند.

در پی تصمیم سازمان اوپک پلاس مبنی بر کاهش تولید نفت، بایدن نیز صراحتاً اظهار داشت که واشنگتن در صدد است روابط خود را با عربستان سعودی مورد بازنگری قرار دهد. اما صاحب نظران در مورد سیاست آمریکا در قبال خاورمیانه بر این باورند که برخلاف رفتاری که ایالات متحده از زمان به قدرت رسیدن اداره بایدن در اوایل سال 2021 میلادی در پیش گرفت و تلاش کرد تا کشورهای تأثیرگذار عربی و خلیجی را در کنترل خود داشته باشد تا بتواند در رقابت بزرگ با بازیگران بین المللی بر سر کدخدایی جهان، این کشورها را با خود همراه سازد، اکنون سیاست خارجی آمریکا در قبال پادشاهی عربستان سعودی تنش زدایی را سرلوحه خود قرار داده و از برخی موضعگیریهایی تند صرف نظر کرده است.

دو. تبدیل شدن پادشاهی عربستان سعودی به مقصدی برای مقامات عالی رتبه آمریکا

اداره رئیس جمهور بایدن به اظهارات مثبت و سازنده درباره پادشاهی عربستان سعودی و نقشهای منطقه ای و بین المللی آن اکتفا نکرد بلکه عربستان سعودی به مقصدی برای مقامات عالی رتبه آمریکا بدل شد. این امر نشان می دهد که آمریکا تمایل دارد موضع خود در قبال عربستان را تغییر داده و برای نزدیکی بیشتر میان واشنگتن و ریاض تلاش نماید.

بعد از سفر بایدن به عربستان سعودی که با هماهنگی مقامات عربستان سعودی در سه نشست سعودی، خلیجی و عربی شرکت کرد، دیگر مقامات رده بالای آمریکا نیز سفرهایی به عربستان سعودی داشتند که از جمله آنها می توان به سفر لیندسی گراهام عضو کنگره

امریکا و سناتور جمهوری خواه اشاره کرد که از منتقدان سرسخت عربستان سعودی به شمار می‌رفت. اما او تصریح کرد که با ولی عهد سعودی گفتگوهای «بسیار پرباری» داشته است. او همچنین از کنگره - هر دو مجلس آن - خواست که روابط با عربستان را تقویت کند.

همچنین می‌توان به سفر **بریت مک‌گرک** مشاور ارشد کاخ سفید در امور خاورمیانه و آموس هوکشتاین فرستاده امریکا در امور امنیت جهانی انرژی به عربستان و گفتگوهای آنها با مقامات عربستان سعودی اشاره کرد. گفتنی است این سفر، یک ماه بعد از آن صورت گرفت که عربستان سعودی و ایران به منظور از سرگیری روابط دیپلماتیک در پکن توافقنامه ای به امضا رساندند.

همچنین، در روز 7 می 2023 میلادی **جک سالیوان** با ولی عهد عربستان سعودی دیدار کرد و طرفین در مورد تلاش‌های صلح در یمن که از نظر کاخ سفید پیشرفت‌هایی داشته است، گفتگو و تبادل نظر کردند. «**بلومبرگ**» به نقل از منابع آگاه نوشت که آنتونی بلینکن قصد دارد در ماه ژوئن آینده برای شرکت در نشست ائتلاف بین‌المللی مبارزه با داعش، به عربستان سعودی سفر کند. این درحالیست که وزارت خارجه دو کشور درباره چنین سفری اظهار نظری نکرده اند. اما این سفرهای پیاپی که در «سطوح بالا» انجام می‌شود حکایت از آن دارد که امریکا با ارائه ابتکارهای واقعی می‌کوشد اعتماد شرکای تأثیرگذار در منطقه را بار دیگر جلب کند و منافع این کشورها را در نظر گرفته و تلاش نماید تا دیدگاه کشورهای منطقه و ایالات متحده را در مورد مسائل و بحرانهای پیچیده همسو کند.

سه. میانجیگری امریکا و عربستان سعودی برای آتش بس در سودان

با توجه به نقش پیش‌تازانه و محوری پادشاهی عربستان سعودی در منطقه و نیز تمایل امریکا به احیای نقش آفرینی خود در منطقه خاورمیانه که اخیراً کم‌رنگ شده است، واشنگتن و ریاض یک ابتکار مشترکی برای آتش بس در سودان و پایان دادن به درگیریهای مسلحانه میان ارتش سودان و نیروهای واکنش سریع ارائه دادند و از طرفین درگیری برای انجام مذاکرات در جده دعوت کردند. **آنتونی بلینکن در تماس تلفنی با امیر فیصل بن فرحان** وزیر خارجه عربستان سعودی درباره مسأله سودان گفتگو کرد و طرفین بر ضرورت کاهش تنش نظامی و پایان دادن به درگیریهای مسلحانه ای که از 15 آوریل 2023 میلادی شعله ور شده است، تأکید کردند.

به نظر می‌رسد که همکاری عربستان سعودی و امریکا در سودان، می‌تواند آغازی نو برای نقش حیاتی ایالات متحده در همکاری با شرکای منطقه ای و کشورهای تأثیرگذار در منطقه باشد.

دوم: انگیزه های آمریکا برای بازنگری در روابط با عربستان سعودی

یک. پررنگ شدن نقش چین در خاورمیانه و جهان

به باور بسیاری از ناظران، عقب نشینی امریکا از خاورمیانه به نفع امریکا نبود زیرا که این امر سبب می‌شود موازنه قدرت جهانی به زیان ایالات متحده تغییر کند. همچنین، قدرتهای بین

المللی مانند چین و روسیه تماشاگر نخواهند ماند بلکه خلأ ناشی از عقب نشینی واشنگتن از منطقه را پر خواهند کرد. اداره بایدن که با اوباما هم نظر است، بر این باور است که منافع آمریکا در خاورمیانه وضعیتی مشابه چهارده گذشته را ندارد و منافع علیای آمریکا ایجاب می کند که این کشور توجه خود را به شرق و برای مهار چین معطوف دارد که از طریق شراکت تجاری و اقتصادی جهانی آرام آرام به رشد خود ادامه داده و یک تهدید جدی و واقعی برای ایالات متحده به شمار می رود.

همچنین، کشورهای منطقه و در رأس آنها پادشاهی عربستان سعودی بنا به چشم انداز 2030 میلادی، شاهد تحولات توسعه ای بلند پروازانه ای است و برای کسب منافع خود تلاش می کند. بعد از اینکه آمریکا از نقش خود به عنوان تضمین کننده امنیت منطقه عقب نشینی کرد و امنیت سایر کشورهای منطقه نیز در معرض تهدید قرار گرفت، منافع چین با کشورهای عربی در یک راستا قرار گرفت. و چین نقش بیشتری با کشورهای منطقه بر عهده گرفت که با سفر شی جین پینگ رئیس جمهور چین در دسامبر 2022 میلادی به ریاض و مشارکت در سه نشست با رهبران جهان عرب یعنی نشست عربستان سعودی و چین، نشست کشورهای خلیج با چین و نشست جهان عرب با چین، این نقش بسیار برجسته تر شد.

در جریان این سه نشست، چین دهها قرارداد نظامی و اقتصادی به ارزش **دهها میلیارد دلار** به امضا رساند. بی تردید، انتظار می رفت این تحولات که بعد از سفر رئیس جمهور چین به منطقه صورت گرفت، خشم آمریکا را برانگیزد؛ به ویژه اینکه از نگاه آمریکا چین اکنون نفوذ دیرینه آمریکا را تهدید می کند. و تأکید جو بایدن در جریان سفر به ریاض بر اینکه کشورش خلأی در خاورمیانه باقی نخواهد گذاشت **تا چین و روسیه آن را پر کند**، بهترین دلیل بر این مدعا است.

دو. توافق میان ریاض و تهران با میانجیگری چین

چین با میانجیگری برای احیای روابط دیپلماتیک میان دو قدرت بزرگ منطقه ای یعنی عربستان سعودی و ایران که از سال 2016 میلادی بدینسو قطع رابطه کرده بودند، توانست یک تحول مهمی ایجاد کند. بسیاری از ناظران که به برآیند این توافق می نگرند، بر این باورند که این گام، مهمترین اقدام برای اداره بحرانهای منطقه است که بعد از پایان دوره جنگ سرد یعنی اوایل قرن گذشته، بدون نظارت آمریکا محقق می شود. و مهمتر از آن، از نگاه واشنگتن این توافق به منزله موفقیت دیپلماسی چین است که به عنوان یک تضمین کننده بین المللی، میزبان گفتگوها و مصالحه میان کشورها می شود. یعنی مذاکرات میان کشورها در جایی غیر از پایتختهای کشورهای غربی صورت می پذیرد و این واقعیت که پکن علاوه بر اینکه به عنوان یک بازیگر تأثیر گذار بین المللی در بحرانها حضور دارد، اکنون به مدیریت و حل بحرانهای بین المللی روی آورده است، برای واشنگتن یک تحول کاملاً خطرناک است؛ به ویژه اینکه اکنون چین این نقش را در منطقه خاورمیانه که منطقه نفوذ سنتی ایالات متحده به شمار می رود، ایفا می کند.

و علی رغم اینکه کاخ سفید از توافق عربستان سعودی و ایران استقبال کرد، اما **جان کری** هماهنگ کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی کاخ سفید تلاش کرد به نحوی این اقدام

چین را کم اهمیت جلوه دهد. او گفت که واشنگتن در گذشته برای کاهش تنش میان این دورقیب منطقه ای تلاشهای زیادی انجام داده است و در این راستا از دو گزینه بازدارندگی و دیپلماسی بهره گرفته است. و نقشه راهی که چین پیموده است در واقع ادامه مذاکراتی است که در مسقط و بغداد در سالهای 2021 و 2022 میلادی صورت گرفت.

پرواضح است که بازگشت روابط میان دو قدرت منطقه ای یعنی عربستان سعودی و ایران، که به کاهش تنش در منطقه می انجامد آغازی برای حل و فصل پرونده های پیچیده منطقه است و سبب می شود که این دو قدرت منطقه ای برای حفظ امنیت منطقه و بدون دخالت بازیگران بین المللی خارج از منطقه، توافقات امنیتی تازه ای را نیز روی دست گیرند. همچنین بازگشت روابط میان دو کشور، پیامدهای مثبتی برای تمامی کشورهای منطقه مخصوصا کشورهای ضعیفی که به کانونی برای تروریسم، تجارت مواد مخدر و جولانگاه گروههای شبه نظامی بدل شده اند، به ارمغان خواهد داشت.

سه. افزایش تمایل استقلالگرایی جهان عرب در سیاست خارجی

کشورهای منطقه با چندین بحران دست به گریبان شدند و برای برون رفت از این بحرانها چشم به حمایت شریک امریکایی دوخته بودند اما واشنگتن در زمانیکه که لازم بود به وعده خود وفا نکرد. مثلا در جریان تحولات بهار عربی، در قبال بحرانها موضع منفی اتخاذ کرد و در قبال حادثه حمله به تأسیسات نفتی عربستان سعودی در بئق و خریص در سال 2019 میلادی نیز چندان جدیتی از خود نشان نداد. وانگهی، واشنگتن در صدد بود بدون در نظر گرفتن منافع شرکای منطقه ای و یا مشارکت دادن آنها در مذاکرات برجامی، در مورد برجام با ایران به توافق برسد. از دیگر موارد، می توان به تأخیر واشنگتن در اجرای قراردادهای نظامی با همپیمانان منطقه ای و بی توجهی به منافع اقتصادی شرکا، عقب نشینی تدریجی امریکا از منطقه و تغییر اولویتهای راهبردی و خارج کردن تجهیزات دفاعی هوایی از منطقه اشاره کرد که این اقدامات به معنای بی توجهی به تعهدات دیرینه در قبال شرکای منطقه ای است.

همه این رفتارها، شکاف میان کشورهای عربی و امریکا را عمیق تر ساخت. در نتیجه، کشورها منطقه و در رأس آنها عربستان منافع خود را در اولویت قرار داد و در پی تنوع بخشیدن به ائتلافهای خارجی با دیگر قدرتهای جهانی از جمله چین و روسیه برآمد. بعد از حمله نظامی روسیه به اوکراین، واشنگتن به حمایت شرکای منطقه ای احساس نیاز کرد تا اولاً با نقش محوری که در سازمان اوپک پلاس دارند بهای نفت را کاهش دهند و ثانیاً در اردو کشی غرب در مقابل روسیه، به حمایت تمام قد از غرب روی آورند. این در حالیست که جهان عرب هر دو طرف جنگ را دوستان خود می داند و حمایت از یکی از طرفها در مقابل دیگری، اصلا با منافع کشورهای جهان عرب سازگاری ندارد. از این رو، عربستان سعودی در نشست اوپک پلاس در اکتبر 2022 میلادی در کنار سایر کشورهای عربی که عضوین سازمان هستند، به دور از دخالت ایالات متحده و با هدف دور ساختن تولید نفت از سیاست زدگی، تصمیم مستقلی اتخاذ کرد تا هم منافع اعضای سازمان اوپک را در نظر بگیرد و هم ثبات بازارهای جهانی نفت را حفظ کند.

چهار. رویکردهای مصالحه جهت پایان دادن به منازعه های عربی-عربی

با توجه به اینکه کشورهای منطقه دیگر توان تحمل درگیریهای تازه ای را ندارند و برای توسعه و شکوفایی سخت نیازمند ثبات و آرامش هستند، عربستان سعودی به عنوان بازیگر منطقه ای و بین المللی مهم و جایگاه پیش قراولانه ای که در جهان اسلام و جهان عرب دارد، این رسالت مهم را بردوش گرفت تا برای ایجاد نزدیکی میان کشورهای عرب و غیر عرب منطقه نقش رهبری را بازی کند تا گامی برای تحقق دیدگاه ولی عهد سعودی امیر محمد بن سلمان باشد که خاورمیانه به اروپای تازه بدل خواهد شد.

و در راستای عملی ساختن همین دیدگاه بود که عربستان سعودی با ایران به توافق رسید و این توافق زمینه ساز یک سری سازشها و نزدیکی با دیگر کشورهای عربی نیز شد.

و همین توافق زمینه حل اختلافات ایران با سایر کشورهای عربی که بیشتر بر سر نفوذ ایران بود، را نیز فراهم کرد. در همین راستا عربستان سعودی تنش زدایی ها را از یمن شروع کرد و رسماً گفتگوها را با حوثی ها در صنعا آغاز کرد. در عین حال، عربستان سعودی برای بازگرداندن سوریه به اتحادیه عرب تلاشهای زیادی به خرج داد. که در این زمینه می توان به سفر وزیر خارجه عربستان سعودی برای اولین بار بعد از بحران سوریه به دمشق و دیدار با رئیس جمهور بشار اسد و پیشنهاد ریاض مبنی بر اینکه سوریه کرسی خود را در جامعه کشورهای عرب مجدداً کسب نماید، و دعوت از رئیس جمهور بشار اسد در سی و دومین نشست اتحادیه عرب که در پادشاهی عربستان سعودی در شهر جده برگزار شد، اشاره کرد. این تلاشها چندان به مذاق ایالات متحده خوش نیامد زیرا سختنگوی وزارت خارجه امریکا تصریح کرد که ایالات متحده از تصمیم کشورهای عربی مبنی بر عادی سازی روابط با سوریه استقبال نمی کند و واشنگتن به عادی سازی روابط با نظام اسد روی نخواهد آورد. اما واقعیت این است که ایالات متحده بار دیگر در قبال تحولات سریعی که در منطقه روی می دهد، بدون اینکه برای در اختیار گرفتن زمام امور و روند تحولات منطقه راهبرد واضحی داشته باشد همچنان تماشاجی خواهد بود.

سوم: ارزیابی تلاشهای امریکا برای بازنگری در روابط خود با عربستان سعودی

در مقام ارزیابی تلاشهای امریکا باید گفت که هیچ جای تردیدی نیست که اداره بایدن هر چند دیر هنگام اما بالاخره به ضرورت بازنگری در سیاستهای امریکا در قبال کشورهای عربی در خاورمیانه و نزدیکی به این کشورها پی برده است؛ چرا که واشنگتن در طول چند دهه گذشته توجهی به منافع همپیمانان سنتی و راهبردی خود در منطقه نداشته است. سفرهای پیاپی مقامات امریکا به عربستان سعودی که با هدف ترمیم و تقویت روابط میان دو کشور صورت می گیرد، بهترین دلیل بر این مدعا است. اما این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که در دوره اخیر، کشورهای عربی و در رأس آنها عربستان سعودی اعتماد خود را به ایالات متحده به طرز قابل توجهی از دست داده اند. لذا، این کشورها ضمن حفظ روابط متوازن با ایالات

متحده، قطب نمای سیاستها و ائتلافهای خارجی خود را به سوی برخی قدرتهای بین المللی دیگری چون چین و روسیه تغییر داده اند. علاوه بر آن، تحولات و شرایط منطقه ای، کشورهای منطقه و در رأس آنها عربستان سعودی را قادر ساخته است که برای پاسداری از منافع و امنیت خود نقشهای مهمی بر عهده گیرند.

عوامل چندی سبب شده است تا کشورهای عربی به عنوان یک قطب بین المللی مهم و تأثیرگذار در روند اموری بین الملل با هدف پاسداری از منافع خود با ایالات متحده در سیاست خارجی خود توازن ایجاد نمایند. اکنون به چند نمونه از این عوامل اشاره ای خواهیم داشت که عبارتند از:

یک. نیاز به هماهنگی و همکاری در مبارزه با تروریسم؛ خطری است که هم منطقه و هم جهان را تهدید می کند.

در طول دوره گذشته، دولتهای امریکا یکی پس از دیگری از همکاری و هماهنگی امنیتی یکپارچه با کشورهای خلیج در مبارزه با تروریسم تعریف و تمجید می کردند. **دونالد ترامپ** رئیس جمهور پیشین امریکا صراحتاً گفت که نقش کشورهای شورای همکاری خلیج در شکست دادن تروریسم و تقویت ثبات منطقه ای تعیین کننده است. همچنین، کشورهای عربی در ائتلاف بین المللی مبارزه با داعش که عملیات نظامی مشترکی در عراق و سوریه اجرا می کردند، مشارکت داشتند. لذا می توان گفت یکی از قوی ترین پرونده هایی که کشورهای عربی را با واشنگتن در یک مسیر قرار می دهد، همان پرونده مبارزه با تروریسم است.

دو. کمکهای تسلیحاتی امریکا به کشورهای عربی: در اکثر کشورهای عربی و مخصوصاً کشورهای خلیج، ساختار و جنگ افزارهای نهادهای نظامی، از لحاظ نوع جنگ افزارها و ساز و برگهای نظامی، آموزشهای میدانی و تاکتیکیهای دفاعی و هجومی، امریکایی است و از مکتب راهبردی امریکا پیروی می کند. از سویی دیگر، ایالات متحده برنده معادله ارائه تسلیحات نظامی به کشورهای عربی محسوب می شود؛ زیرا بخش دفاعی در ایالات متحده از مهمترین منابع مالیاتی و اشتغالزایی در **اقتصاد امریکا** است. از آنجا که سلاحهای امریکایی نسبت به سلاح های قدرتهای بزرگ دیگری چون روسیه و چین از کیفیت بالاتری برخوردارند و به روزتر هستند، کشورهای عربی به سلاحهای امریکایی تمایل نشان داده اند.

سه. منافع اقتصادی کشورهای عربی و امریکا: این منافع که بر **بازارهای انرژی**، روابط سرمایه گذاری و توجه مشترک به اقتصاد جهانی متمرکز است، بسیار کلان است. همچنین فروش تسلیحات امریکایی حتی اگر فقط در چارچوب نظامی باشد، باز هم تأثیر زیادی بر اقتصاد امریکا دارد. علاوه بر آن، بازارهای بورس امریکایی برای سرمایه گذاران ثروتمند خلیج بسیار پرجاذبه است و سرمایه گذاران خلیجی به شرکتهای امریکایی اعم از بخشهای فناوری و بخشهای گردشگری و هواپیمایی به عنوان فرصتهای سرمایه گذاری می نگرند که باید برای رسیدن به منافع مشترک از این فرصتها استفاده کرد.

در کنار روابط تاریخی و سیاسی دراز مدت با ایالات متحده، عربستان سعودی با فعالیتهای اقتصادی و تجاری در اقتصاد امریکا حضور پررنگی دارد که امضای قرارداد کلان با شرکت بوئینگ امریکایی برای ساخت 121 هواپیما به ارزش 37 میلیارد دلار تازه ترین نمود این حضور است.

چهار. منافع اقتصادی عربستان سعودی با ایالات متحده: یکی از اهدافی که در چشم انداز 2030 کشور پادشاهی عربستان سعودی پیش بینی شده، تنوع بخشیدن به اقتصاد کشور - یعنی اقتصاد بعد از نفت - است. و این یک چشم انداز توسعه ای است که هم برای داخل کشور و هم برای منطقه برنامه دارد و پروژه ها و شهرهای صنعتی مبتکرانه ای که در این چشم انداز پیش بینی شده است، مانند شهر نیوم، شهر اوکساجون، شهر لاین و دیگر طرحهای مبتکرانه ای که در سطح منطقه و جهان بی نظیر است، نسبت به نمونه های مشابه در بسیاری از کشورهای جهان نیز برتری دارد و در آینده نزدیک به قطب سرمایه گذاری و گردشگری بی مانندی بدل خواهند شد. با این وجود، لازم است که در این طرحهای کلان در زمینه های پیمانکاری و مشاوره و نیز ایجاد زیر ساختها از تجربه شرکتهای پیشرفته امریکایی استفاده شود. و لازم است که در این زمینه ها، همکاری مؤسسات آموزشی معروفی چون مؤسسه فناوری ماساچوست «MIT» و دیگر دانشگاههای کهن نیز جلب شود. اما درباره روابط تجاری میان عربستان سعودی و امریکا همین قدر بس که ارزش کالاهای وارداتی از امریکا در سال 2019 میلادی **حدود 38,7 میلیارد دلار** تخمین زده شده است. لذا، می توان گفت که روابط اقتصادی امریکا و عربستان سعودی هر چند از دیرباز بر قراردادهای تسلیحاتی در مقابل نفت محدود بوده است، اما اکنون این رابطه پیشرفتهایی را به خود دیده است و وارد حوزه فناوریهای پیشرفته ای شده است که مسیرهای پیشرفت را به یکدیگر مرتبط می سازد.

چهارم: چالشهای روابط کشورهای عربی و امریکا

کشورهای عربی در ایجاد توازن در روابط خود با ایالات متحده با برخی موانع و چالشهایی روبرو هستند و این امر با برخی از اهداف امریکایی نیز در تضاد است که اکنون به برخی از آنها می پردازیم:

یک. ایالات متحده در تلاش است برخی کشورهای عربی را به پیوستن در برخی ائتلافها و ساز و کارهای امنیتی و اقتصادی مانند برخی ائتلافها ترغیب کند که با هدف دور ساختن چین از منطقه و کاهش نفوذ این کشور ایجاد شده است که از آن جمله می توان به پیمان I2U2 اشاره کرد که هند و اسرائیل را در جمع اعضای خود دارد. اما در مقابل این تمایل امریکا چالشهایی نیز وجود دارد که مانع پیوستن کشورهای عربی به چنین ائتلافها و ساز و کارهایی می شود. به عنوان مثال، کشورهای عربی با اسرائیل سازگاری ندارند و برخی از این کشورها مانند عربستان سعودی روابط عادی با اسرائیل ندارد و برخی دیگر آن قدر به اسرائیل اعتماد ندارند که با آن وارد پیمان شوند. از این رو، پیوستن کشورهای عربی به پیمان I2U2 یک امری کاملاً دشوار

است. وانگهی، کشورهای عربی که در سالهای گذشته شاهد موضع گیریهای ناامید کننده امریکا بوده اند، دیگر اعتماد خود را به طرحهای امریکا از دست داده اند.

دو. موضع گیریهای امریکا در قبال کشورهای منطقه دچار نوعی پارادوکس است. زیرا یک بار امریکا از سیاست نگاه به شرق به جای تمرکز بر منطقه خاورمیانه سخن می گوید و بار دیگر، مقامات امریکا صراحتاً می گویند که در منطقه می مانند تا مبادا خلأئی باقی بگذارند که قدرتهای دیگری چون چین و روسیه آن را پر کنند. این پادگویی سبب شد که کشورهای منطقه نسبت به همپیمان امریکایی خود بی اعتماد شوند. و گزینه بدیل برای کشورهای عربی این بود که به ائتلافهای خود تنوع بخشند و با حفظ روابط خوب با ایالات متحده و یکسان با دیگر قدرتهای بین المللی مانند چین و روسیه، بدیل هایی برای سیاست خارجی خود ایجاد نمایند.

سه. کشورهای عربی به توانمندیهای موشکی روسیه به عنوان گزینه ای برای تنوع بخشیدن به امکانات تسلیحاتی خود توجه نشان داده اند؛ به ویژه اینکه برخلاف ایالات متحده که تنها سلاحهای خود را به فروش می رساند اما تکنولوژی را پیش خود محفوظ می دارد، روسیه فناوری را نیز صادر می کند. همین مسأله در مورد چین نیز صدق می کند. زیرا روابط میان کشورهای عربی و چین به سرعت در حال رشد است. و کشورهای عربی برای تقویت زیرساختهای خود و همچنین در امور نظامی به سرمایه گذاریها و نیز قراردادهای طولانی مدت و چند میلیاردی با شرکتهای چینی رغبت نشان می دهند. چینی ها در مذاکرات فروش اسلحه نرمش به خرج می دهند و بر خلاف طرف امریکایی که معمولاً در امضای قراردادهای تسلیحاتی با کشورهای عربی سختگیری کرده و آن را با مسائل دیگر و چانه زنی در مسائل سیاسی مانند عادی سازی روابط با اسرائیل گره می زند و یا اینکه کنگره به سختی با این نوع قراردادها موافقت می کند، چین به طور کل در قراردادهای نظامی بسیار آسانگیر است.

در پایان، در پی تحولات ناشی از بحران ژئوپلیتیک، حمله روسیه به اوکراین و شدت یافتن ضرب آهنگ تحولات بعد از آن که باعث فرسایش غرب و روسیه شد، کشورهای عربی به این واقعیت رسیده اند که نظام بین الملل اکنون تحولات ریشه ای را تجربه می کند که احتمالاً نتیجه آن، یک نظام بین المللی چند قطبی خواهد بود. از این رو، کشورهای عربی دریافته اند که در موقعیتی هستند که می توانند در مسائل منطقه ای و بین المللی تأثیرگذار باشند. و کشور پادشاهی عربستان سعودی عملاً با ایفای نقشهای سیاسی و دیپلماتیک پررنگی توانسته ضمن یافتن چندین گزینه بین المللی، با بسیاری از قدرتهای جهانی روابطی برقرار کند. علاوه بر آن، تلاشهای زیادی را برای حل و فصل بحرانها و مسائل پیچیده و حاد کشورهای منطقه روی دست گرفته است. این وضعیت ایجاد می کند که ایالات متحده - اگر واقعاً خواهان بازگشت به سوی کشورهای منطقه است - منافع کشورهای عربی را جدی بگیرد و برای در اختیار گرفتن روند تحولات که ظاهراً از دسترس امریکا دور و دورتر می شود، با گامهای عملی اعتماد کشورهای منطقه را بیشتر جلب کند.



✉ info@rasanahiiis.com

🐦 [@rasanahiiis](#) [@rasanahiiis](#)

🌐 www.rasanah-iiis.org

